

در حال حاضر رشد سریع بزرگ‌ترین کشور در حال توسعه جهان، یعنی چین، یکی از موضوعات با اهمیت اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود. نرخ بالای توسعه اقتصادی چین براساس یک مدل توسعه طراحی شده است که شامل ترکیبی از نوآوری، نوآوری‌های اقتصادی و تنظیم مقررات دولتی با نئولیبرالیته شدن تدریجی و کنترل شده است که در اجرای آن شرکت‌های بین‌المللی خارجی [۱] نقش اصلی را ایفا می‌کنند. چین در نتیجه اجرای یک مدل موفق مبتنی بر ترکیب کردن نقش‌های عمومی و خصوصی و تکیه بر سرمایه‌گذاری، توانست مسیر دستیابی به رشد از طریق ادغام اقتصادی در بازار جهانی را توسعه بخشد و محقق سازد. دولت از سیاست‌های مربوط به صادرات صنعتی، از جمله اصلاحات مالیاتی، کاهش ارزش پول و واردات بدون تعرفه حمایت کرد و همین مسأله منجر به افزایش بهره‌وری، به خصوص در مناطق صادراتی استان‌های جنوبی که می‌توانستند سرمایه‌گذاری‌های هنگ‌کنگ و تایوان را جذب کنند گردید. البته چنین موقعیتی از حیث پیشرفت اقتصادی، زمینه‌های موردنیاز برای تبدیل شدن به قدرت سیاسی را بیشتر می‌کند و امکان تأثیرگذاری بر سایر کشورها و همچنین روابط بین‌الملل در سطح منطقه‌ای و جهانی را فراهم می‌نماید.

نظم جهانی در حال ایفای نقش خود است؛ اما قواعد آن دیگر از سوی نویسندگان تاریخی این نظم دیکته نمی‌شود. رقبای جدید این بازی بزرگ و مهم، قواعد خود را تعیین می‌کنند و این نوشتار به دنبال ارتباط دادن زوایای این قواعد برای ارائه روایتی از آن چیزی که در حال تحول و توسعه است، می‌باشد. زوایای به هم گره خورده این قواعد، به شرح ذیل است:

- عضویت چین در سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۱.
- برنامه توسعه مناطق غربی کشور در سال ۲۰۰۲.
- شروع جهانی‌سازی یوان (واحد پول چین) در سال ۲۰۰۹.
- گشایش بازار پول یوان در هنگ‌کنگ در سال ۲۰۱۰.
- شروع به معامله با یوان در سطح جهانی

توسط شرکت‌های چینی در سال ۲۰۱۲. در سال ۲۰۱۳، دادوستد یوان به هشت درصد از کل معاملات پولی در جهان رسید. در این رابطه، در این سال، بیش از ۲۷۰ میلیارد یوان به شکل اوراق بهادار چینی انتشار یافته است (اوراق دیم سان) که علاوه بر این، سپرده‌گذاری بانکی در هنگ‌کنگ به شکل یوان بیش از ۱۰۰ میلیارد یوان است. روند تحولات به اندازه کافی روشن است: در سال ۲۰۱۵، آغاز به سروسامان دادن و هماهنگ‌سازی مؤسسات مالی متعلق به سازمان همکاری شانگهای، در همین سال، به طور تخمینی، یکی سوم از کل تجارت چین با یوان صورت می‌گیرد. یوان پس از یورو و دلار، سومین پول قدرتمند جهان است. در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸، یوان تبدیل به پول کاملاً قابل تبدیل به سایر ارزها می‌شود و شانگهای به طور کاملاً واضح تبدیل به مرکز مالی جهانی خواهد شد. پذیرش یوان به عنوان ارز اس. دی. آر [۲] در صندوق بین‌المللی پول و حق رأی چین، مشارکت جامع اقتصاد منطقه‌ای (تعبیری از راهبرد اوراسیا و جهانی شدن تحت قالب طرح یک کمربند یک جاده)، قابلیت تبدیل کامل یوان و نهایتاً رونق قابل توجه بورس طلای شانگهای.

هدف غایی سیاست اقتصادی چین، کاملاً مشهود است. این هدف به دنبال غلبه بر سازگار پولی مبتنی بر نفت-دلار کنونی نیست؛ بلکه به دنبال موقعیتی بانفوذ در نظم پولی آتی جهانی است. تمام کوشش‌های شرح داده شده، سیاست‌های آگاهانه به منظور آماده‌سازی به سمت مرحله بعدی جهانی‌شدن اقتصاد است. اگر چین در مسیر درست همراه با تمرکز بر هدف عادلانه‌سازی اقتصاد جهانی گام بردارد، ضرورتی ندارد که از نظم جدیدی که چین به دنبال آن است بهراسیم.

نوع تفسیر رقابت‌گونه آمریکا از سیاست‌های مالی چین و نحوه ارزش‌گذاری پول در این کشور، در تنش‌های چندبعدی مداوم انرژی در آفریقا و معارضة سراسر و بی‌شک آمریکا با مشارکت چین در نهادهای برتون وودز [۳] قابل مشاهده است. مانند همیشه، چین به یک راهبرد بلندمدت متعهد است؛ راهبردی که این کشور را به موفقیت‌های مهم در سال‌های گذشته نائل کرد. اهمیت این راهبرد به اندازه کمی در فراسوی فعالیت‌های مالی قابل درک است. آنچه اهمیت دارد، این است که بسیاری از موفقیت‌های چین در چارچوب راهبرد جهانی‌سازی این کشور بسیار بیشتر از آنچه قابل درک است، درهم‌تنیده است.

هدف غایی سیاست اقتصادی چین، کاملاً مشهود است. این هدف به دنبال غلبه بر سازگار پولی مبتنی بر نفت-دلار کنونی نیست؛ بلکه به دنبال موقعیتی بانفوذ در نظم پولی آتی جهانی است. تمام کوشش‌های شرح داده شده، سیاست‌های آگاهانه به منظور آماده‌سازی به سمت مرحله بعدی جهانی‌شدن اقتصاد است